

روستا و توسعه، سال ۲۴، شماره ۹۶، زمستان ۱۴۰۰

DOI: 10.30490/RVT.2021.352015.1276

مقاله پژوهشی

بررسی و سنجش اثرات دسترسی مالی رسمی و غیررسمی بر تمایل به ماندگاری افراد در روستا

سیدخسرو اعتضاد^۱، محمود دانشور کاخکی^۲، حسین محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲

چکیده

امروزه، در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت از روستا به شهر از جمله مسائل اجتماعی و اقتصادی مهم به شمار می‌رود. در مطالعه حاضر، با توجه به اهمیت مسئله ماندگاری در روستاهای ایران، به بررسی رابطه میان ماندگاری افراد در روستاها و اثرات دسترسی مالی از طریق تأمین مالی درونی و بیرونی بر آن پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش خانوارهای روستایی شهرستان‌های گناباد، تربت حیدریه و سبزوار در استان خراسان رضوی بودند که از آن میان، ۳۹۷ خانوار در قالب حجم نمونه

۱- دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- نویسنده مسئول و استاد گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (daneshvar@um.ac.ir)

۳- دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

انتخاب شدند. میزان رضایت‌مندی افراد از سکونت در روستا به‌عنوان متغیر وابسته (رضایت‌مندی کم، متوسط و زیاد) و متغیرهای سن، جنسیت، نوع فعالیت، سطح زیر کشت، درآمد، ارزش کل دارایی، پس‌انداز و دسترسی به اعتبارات رسمی و غیررسمی در قالب متغیرهای مستقل وارد تحلیل شدند. برای تحلیل داده‌ها، با توجه به وجود ناهمسانی در نمونه مورد بررسی، از شیوه‌ی لاجیت ترتیبی چندسطحی استفاده شد. برای تأیید وجود ناهمسانی در شهرستان‌ها و روستاهای مورد مطالعه، آماره‌های ضریب همبستگی درون‌گروهی (ICC) و شاخص اثر طراحی (DE) در نظر گرفته شدند و مقادیر آنها، به ترتیب، برابر با ۰/۲۵ و ۰/۴۸ به دست آمد. از آنجا که مقادیر دو آماره بیش از ۰/۲ بوده، اثرات خودهمبستگی درون‌واحدی شایان توجه ارزیابی شده و وجود ناهمسانی در شهرستان‌ها و روستاهای مورد مطالعه پذیرفته شد؛ به دیگر سخن، در سطح شهرستان، دو پارامتر اصلی تعداد بانک نسبت به جمعیت شهر و نرخ دستمزد شهری حدود ۰/۲۵ واریانس‌های بین شهرها را نشان می‌دهند و در سطح روستاها نیز میزان همبستگی درون‌واحدی برابر با ۰/۴۸ بیانگر این است که در بین روستاها، متغیرهای اصلی نرخ بیکاری، وجود و عدم وجود منابع آب و متوسط سطح درآمد مردم حدود ۰/۴۸ واریانس بین روستاها را شامل می‌شوند که این ناهمسانی‌ها موجبات رضایت‌مندی از طیف زیاد به کم را مهیا می‌سازد. همچنین، سایر یافته‌های تحقیق نشان داد که اعطای تسهیلات به خانوارهای روستایی به صورت رسمی (و نه غیررسمی) باعث افزایش انگیزه آنها برای ماندن در روستا می‌شود و این افراد می‌توانند با این تسهیلات رسمی دریافتی، کسب و کارهای خود در مناطق روستایی را توسعه بخشیده، رضایت و تمایل بیشتری برای ماندن در روستا و عدم مهاجرت به شهر داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: ماندگاری در روستا، اعتبارات بانکی، رضایت‌مندی، توسعه‌یافتگی، مؤسسات مالی، لاجیت چندسطحی.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، روند مهاجرت از مناطق روستایی به شهرها رشد قابل توجهی داشته است (United Nations, 2016)؛ و کارشناسان تخمین زده‌اند که در سال ۲۰۳۰، بیشتر افراد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، در شهرها زندگی خواهند کرد و جمعیت روستایی برای

اولین بار در دنیا، کاهش خواهد یافت (Deubler and Schäfer, 2014). این انتقال و مهاجرت باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده شکل گیرد تا پدیده خالی شدن روستاها و به حاشیه‌رفتن و کم‌اهمیت بودن آنها تحقق نیابد (Afrakhteh and Aghaeizadeh, 2011). بر اساس گزارش‌های سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴، عدم تعادل بین نواحی شهری و روستایی در حال افزایش است (Deubler and Schäfer, 2014). به دیگر سخن، رشد بی‌رویه جمعیت از عمده‌ترین معضلات جوامع در حال توسعه به‌شمار می‌رود و یکی از بارزترین مسائل ناشی از آن توزیع نامتوازن جمعیت در سطح ملی است که با توجه به مهاجرت‌های بی‌رویه روستا به شهر، بیش از پیش حاد شده است.

افزایش دسترسی به اعتبارات بیرونی مقرون به صرفه از جانب مؤسسات مالی، محرومیت موجود در جامعه روستایی و همچنین، تکیه روستاییان به دریافت اعتبارات درونی را کاهش می‌دهد که خود این موضوع می‌تواند در جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهر بسیار کمک‌کننده باشد (Khandker, 2000). به‌طور کلی، هدف از تأمین مالی بیرونی ارائه اعتبارات بانکی ارزان به مردمی است که در فقر زندگی می‌کنند و به‌طور سنتی، از جریان اصلی بانک‌ها خارج و محروم شده‌اند و فقط به وام‌های نزول‌خواران با بهره بالا متوسل شده‌اند (Armendariz and Morduch, 2010). در واقع، وام‌گیرندگان و روستاییان می‌توانند با استفاده از وام‌های کوچک، اقدام به ایجاد اشتغال کنند تا آنها را قادر به خروج از تله فقر سازد (Yunus, 2007). به هر حال، یکی از متغیرهای مهمی که می‌تواند روی کاهش مهاجرت اثرگذار باشد، دسترسی به منابع مالی برای تولید و ایجاد اشتغال است. امروزه نیز برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه کاهش فقر و مبارزه با آن را نشانه گرفته‌اند و بانک جهانی، توسعه روستایی و راهبرد هایش را به‌منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم، به‌ویژه روستاییان فقیر طراحی و اجرا می‌کند (OECD, 2006; Deakins et al., 2008; IFC, 2010). عدم تأمین مالی مانع کلیدی رشد بنگاه‌هاست (Malhotra et al., 2007)، که البته بنگاه‌های کوچک بیش از بنگاه‌های بزرگ با این مشکل مواجه‌اند (Schiffer and Weder, 2001;)

Beck et al., 2002). تأمین مالی مهم ترین موضوع بنگاه‌هاست، چون به توسعه عملیات، نوآوری و بررسی تنوع در محصولات و به کارگیری نیروی جدید کمک می‌کند و در رشد بنگاه‌ها و ایجاد اشتغال و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، تأثیر زیادی دارد (OECD, 2006).

مبحث مشارکت مالی شامل افزایش دسترسی به خدمات مالی رسمی مانند داشتن حساب بانکی و استفاده از اعتبارات و تسهیلات بانک برای پس انداز است (Allen et al., 2012; Beck et al., 2007). از دستاوردهای مشارکت مالی بهبود مصرف خانوار و توانمندسازی زنان است (Ashraf et al., 2010). خدمات مالی کشاورزی ممکن است نقش کلیدی در توسعه بخش کشاورزی داشته باشد. با این حال، تأمین خدمات مالی کشاورزی در مناطق روستایی یک چالش کلیدی است که اکثر خانوارهای روستایی و کشاورزان کوچک و یا بدون زمین، به دلیل نبود تضمین یا وثیقه، از دسترسی خیلی محدود به اعتبارات برخوردارند (Hussain and Thapa, 2012).

به هر حال، تخلیه روستاها ساختار اجتماعی و اقتصادی سنتی روستا را تغییر می‌دهد و از این رو، در سیاست توسعه کشاورزی و توسعه روستایی، باید مهاجرت و تحرک نیروی کار مورد توجه قرار گیرد (Herrera and Sahn, 2013). به گفته شریدر و نر (Schrieder and Knerr, 2000)، عدم وجود بازارهای مالی برای تأمین مالی بیرونی مهاجرت خانواده را قطعی می‌کند و حتی این راهبرد ممکن است به صورت مهاجرت موقت باشد. برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه نیز همواره کاهش فقر و مبارزه با آن را نشانه گرفته‌اند، به گونه‌ای که پنج درصد از استفاده کنندگان اعتبارات بانکی هشتاد درصد از منابع اعتباری را به خود اختصاص می‌دهند (Oluyombo, 2012). همچنین، نود درصد روستاییان در کشورهای در حال توسعه، چه در دریافت اعتبارات و چه در سپرده گذاری، به خدمات مالی ارائه شده توسط نهادهای مالی رسمی کشورشان دسترسی ندارند و جز منابع مالی درونی، از محلی برای تأمین نیاز مالی خود برخوردار نیستند (Rosenberg, 1994). دسترسی به اعتبار ممکن است شامل در دسترس بودن امور مالی (در زمان نیاز یا به موقع و به راحتی در موعد درخواست، همراه با تداوم و

انعطاف پذیری و نیز به صورت تضمینی) و تمایل به پرداخت بهای وام باشد. بنابراین، دسترسی به اعتبار می تواند وضعیتی تعریف شده باشد که در آن، وام گیرنده قادر است مقداری سرمایه (به صورت نقدی یا غیرنقدی) را از یک منبع مالی خاص به دست آورد، گرچه ممکن است اصلاً نخواهد وام بگیرد (Manganhele, 2010)؛ این در حالی است که در مناطق روستایی، برای فرصت های شغلی و فعالیت های غیرکشاورزی، به علت کمبود سرمایه گذاری و زیرساخت های اقتصادی- اجتماعی، کارهایی مثل پس انداز، بیمه و تأمین مالی مناسب با محدودیت مواجه اند (FAO, 2012).

امروزه، وجود یک رابطه علی از سمت بازارهای مالی به سمت رشد اقتصادی نشان می دهد که ایجاد و توسعه بازارهای مالی موجب افزایش عرضه خدمات شده است (Greenwood and Jovanovic, 1990) و عدم تأمین مالی مانع کلیدی رشد فعالیت های اقتصادی است (Malhotra et al., 2007). همچنین، دسترسی آسان به خدمات مالی بیرونی کشاورزی ممکن است باعث شود که کشاورزان، از طریق پذیرش فناوری های بالاتر، به تولید محصولات بیشتر دست یابند (Khandker and Koolwal, 2016). در ایران، آمارها نشان می دهد که جمعیت روستاها نه تنها افزایش نداشته که با کاهش نیز همراه بوده است؛ و این رشد منفی جمعیت روستایی مسئله ای درخور توجه و قابل اعتناست (SCI, 2016). بر این اساس و با توجه به وضعیت مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها در ایران، مطالعه حاضر بر آن است که به بررسی رابطه ماندگاری افراد روستایی و دسترسی به اعتبارات مالی بپردازد. همچنین، بر اساس گزارش های مرکز آمار ایران، استان خراسان رضوی یکی از استان های مهاجرپذیر از مناطق روستایی به شهری بوده که به طور مشخص، بیانگر موضوع تخلیه روستاهای این استان است. بنابراین، شناسایی و ارائه راهکارهای مفید برای جلوگیری از تخلیه روستاهای کشور روزه روز پراهمیت تر می نماید.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

منابع	خلاصه پژوهش
هیس و ریچاردز (Heath and Richards, 2020)	<p>خارجی</p> <p>با استفاده از الگوی چندسطحی، اختلاف نظرها در زمینه مهاجرت به اروپا بررسی شد و نتایج نشان داد که بین سطوح مهاجرتی مورد نظر، ناهمگنی داخلی وجود دارد، به گونه‌ای که کشور چک یکی از همگن‌ترین و کشور نروژ ناهمگن‌ترین تفاوت‌ها را در بین سطوح مهاجرتی داراست.</p>
تانگ و همکاران (Tang et al., 2020)	<p>با رویکرد لاجیت چندسطحی، به بررسی بهبود خدمات بهداشت عمومی برای مهاجران سالمند چینی و ارائه راهبردهای سیاست‌گذاری پرداخته شد و نتایج نشان داد که در استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی ضروری در بین مهاجران سالخورده، در میان افراد (سطح اول) و خانواده‌ها (سطح دوم) تفاوت معنی‌دار وجود داشته و همچنین، رابطه زمان ورزش، محدوده مهاجرت، دلیل مهاجرت، وضعیت سلامت جسمی، بیماری، دوستان محلی، خدمات بیمه درمانی، هزینه خانواده و درآمد با خدمات اساسی بهداشت عمومی معنی‌دار است.</p>
چن و همکاران (Chen et al., 2020)	<p>انتخاب مهاجران از تفکیک یا اتحاد مجدد خانوارها در فرآیند شهرنشینی چین و تأثیر وضعیت اقتصادی بر انتخاب آنها با استفاده از الگوی چندسطحی بررسی شد و نتایج نشان داد که برای افراد با درآمد ماهانه و دارایی بیشتر احتمال پذیرش مهاجرت به شهرها افزایش یافته و از سوی دیگر، افزایش اتحاد دوباره خانواده‌های مهاجر در شهرها برای روند شهرنشینی پایدار در چین نیز قابل توجه است.</p>
زو و همکاران (Zou et al., 2019) خی و همکاران (Xie et al., 2019) لوتز و همکاران (Lutz et al., 2019)	<p>در زمینه به‌کارگیری الگوی چندسطحی در ارتباط با مهاجرت، در هر کدام از این مطالعات، به وجود ناهمگنی‌ها در بین سطوح مورد بررسی اشاره شده است.</p>
منگ و ژائو (Meng and Zhao, 2018)	<p>با بررسی معیارهای استفاده‌شده، در افرادی که زمین به آنها تعلق گرفته است، یک رابطه منفی بین دارندگان یا مالکان زمین و مهاجرت دائمی وجود دارد.</p>
آنتوپولو و همکاران (Anthopoulou et al., 2017)	<p>جنبه‌های پویایی و تجارب بحران در حومه آتن بررسی شده و نتایج نشان داده است که ایجاد ساختار اجتماعی «روستاییان جذب‌کننده» باعث ایجاد گرایش و انتظارات در شهرنشینان برای بازگشت به سرزمین پدری می‌شود.</p>

منابع	خلاصه پژوهش
آروری و همکاران (Arouri et al., 2017)	با نظرسنجی از خانوارهای روستایی، تلاش شده است که اثر شهرنشینی بر درآمد، هزینه و فقر خانوارهای روستایی در ویتنام بررسی شود و بر پایه یافته‌های پژوهش، فرآیند شهرنشینی به تحریک انتقال فعالیت‌ها از مزرعه به کارهای غیر کشاورزی در روستا می‌انجامد.
یاکین (Yaqin, 2017)	با استفاده از نمونه‌ای از خانوارهای مهاجران روستا به شهر در شهرهای چین، بر پایه یافته‌های این پژوهش، مهاجران روستا به شهر در چین از دیدگاه‌های مختلف در طول دو دهه گذشته بسیار مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.
داخلی	
محمودی و همکاران (Mahmoudi et al., 2019)	با شناسایی و سنجش عوامل اقتصادی-اجتماعی، مهاجرت روستایی در استان کرمانشاه بررسی شده و یافته‌های پژوهش نشان داده است که در بین سه شهرستان منتخب و همچنین، بین روستاهای مورد مطالعه، ناهمسانی‌ها و ناهمگنی‌های موجود تقلیل اثرات سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کاهش مهاجرت را به همراه دارد.
قاسمی ارداهایی و همکاران (Ghasemi Ardahaei et al., 2016)	در مطالعه عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به شهر در جوانان روستایی شهرستان اهر، نتایج نشان داد که بیشترین درصد تغییرات میزان گرایش به مهاجرت به شهر در جوانان روستایی را جمعیت و مسافت روستا تبیین می‌کنند. از نظام معادلات هم‌زمان برای دوره ۸۶-۱۳۵۳ استفاده شده و نتایج نشان داده است که بهبود توزیع درآمد، افزایش مخارج دولتی در عمران روستاها، کاهش شکاف دستمزدی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به کاهش مهاجرت از روستاها می‌شود.
کشاورز و همکاران (Keshavarz et al., 2013)	بر پایه یافته‌های این پژوهش، مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی بر تصمیم‌گیری‌های افراد برای ماندن یا مهاجرت تأثیر می‌گذارد و در نهایت، از مهاجرت به‌عنوان یک راهبرد سودمند یاد شده است.
مطیعی لنگرودی و همکاران (Motiei Langroudi et al., 2013)	در این مطالعه، با عنوان «تبیین الگوی راهبردی مناسب برای ماندگاری جمعیت در سکونت‌گاه‌های روستایی»، از راهبرد تهاجمی به‌عنوان مؤثرترین راهکار پیش رو برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان یاد شده است.
اکبرپور و همکاران (Akbarpour et al., 2014)	در این مطالعات پیرامون تبیین راهبردهای مناسب برای عدم مهاجرت جمعیت روستاها، با بهره‌گیری از شیوه سوات (SWOT)، توسعه کارآفرینی و رویکرد مشارکتی در افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان مؤثر ارزیابی شده است.
مطیعی لنگرودی و همکاران (Motiei Langroudi et al., 2013)	

منابع	خلاصه پژوهش
رجبی علیایی (Rajabi Oliyaei, 2012)	مهم‌ترین دلیل مهاجرت شدت انگیزه‌های اقتصادی از جمله جست‌وجوی شغل و دستیابی به درآمد بیشتر افراد ارزیابی شده است.
خطیر (Khatir, 2011)	عدم تمایل به مهاجرت افراد در میزان بهره‌مندی از فعالیت‌های ترویجی، دانش زراعی، نگرش به امنیت مشاغل روستایی، نگرش به وضعیت کشاورزی در آینده و رضایت‌مندی از خدمات موجود در روستا مؤثر دانسته شده است.
کرباسی و همکاران (Karbasi et al., 2011)	بر اساس نتایج این پژوهش، یک درصد افزایش در دستمزدهای روستایی، دستمزدهای شهری، ارزش افزوده بخش کشاورزی و سطح سواد تعداد مهاجران را به ترتیب، ۰/۲۵ کاهش، ۰/۳۲ افزایش، ۰/۱۶ کاهش و ۰/۳۲ افزایش می‌دهد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به مطالعات مختلف انجام شده در ارتباط با دسترسی‌های مالی و مهاجرت، به نظر می‌رسد که پدیده مهاجرت در همه مناطق به‌عنوان یک معضل شایع مطرح باشد. از طرفی، به‌عنوان جمع‌بندی در مطالعات داخلی و خارجی، می‌توان دریافت که به‌ویژه در زمینه دسترسی به اعتبارات مالی و رابطه آن با ماندگاری روستایی، پژوهشی صورت نگرفته و در تحقیق حاضر، به‌عنوان یک نوآوری سعی شده است که در قالب الگوهای چندسطحی، به ماندگاری در روستا و اثرات دسترسی مالی بر آن نگریده شود.

روش‌شناسی پژوهش

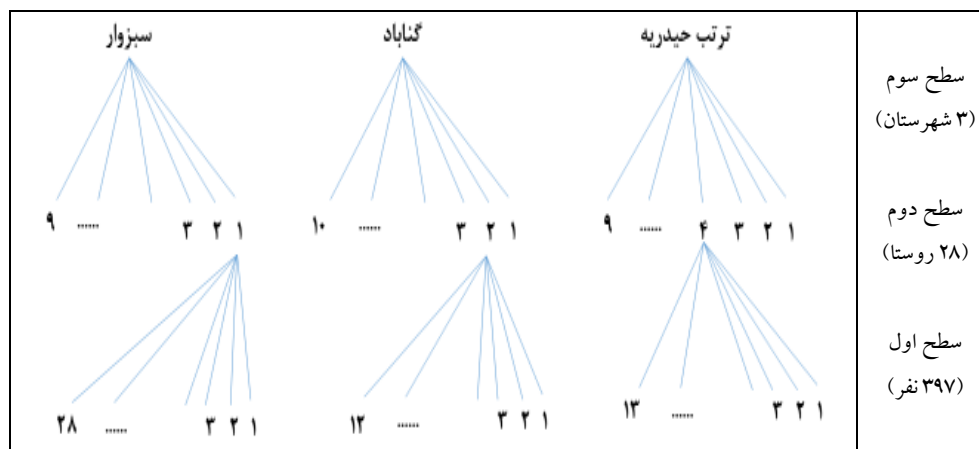
پژوهش‌های گوناگون نشان داده‌اند که اگرچه مهاجرت یک فرآیند عمومی است، اما در بین جوامع مختلف، ناهمسانی‌ها و اختلاف‌هایی در زمینه تصمیم‌گیری‌های افراد برای ماندگاری در روستا وجود دارد (Buchmann and Kriesi, 2011; Billari and Liefbroer, 2010; Mulder and Billari, 2010; Furstenberg Jr, 2010; Breen and Buchmann, 2002; Holdsworth, 2000; Iacovou, 2002; Billari et al., 2001). در مطالعه حاضر نیز با توجه به احتمال وجود ناهمگنی در مناطق مورد مطالعه (از لحاظ عوامل جغرافیایی و محیطی و همچنین عوامل فردی و...)، الگوی چندسطحی به‌عنوان ابزاری مناسب‌تر به کار برده شده است که در ادامه، به توضیح این الگو پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر، ساختار اولیه الگوی سه‌سطحی برای سه شهرستان (انتخاب به‌صورت تصادفی) و ۲۸ روستای مورد مطالعه (همچنین، انتخاب

به صورت تصادفی) در شکل ۱ ترسیم شده است. البته سطح افراد تعداد ۳۹۷ پرسشنامه تکمیلی را نشان می‌دهد که برای نمونه، ترسیم شده است.

در مطالعه حاضر، روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی^۱ برای انتخاب چند شهرستان در استان خراسان رضوی به کار برده شد. بر این اساس، «نسبت کل مهاجران هر شهرستان به جمعیت کل آن شهرستان» با استفاده از ارقام مرکز آمار ایران محاسبه شد. این محاسبه در راستای شناسایی میزان (نرخ) ماندگاری روستایی در شهرستان‌های استان بوده که بر اساس گروه‌بندی شهرستان‌ها و آمارهای مرکز آمار ایران، سه شهرستان تربت حیدریه، سبزوار و گناباد، به ترتیب، با ۰/۶۳، ۰/۴۹ و ۰/۳۲، بیشترین آمارهای شدت مهاجرت از روستا به شهر را در استان به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، با توجه به هدف مطالعه حاضر، این سه شهرستان برای بررسی تأثیر دسترسی مالی رسمی و غیررسمی بر تمایل به ماندگاری افراد در روستاها انتخاب شدند؛ سپس، از هر شهرستان، یک دهستان به‌طور تصادفی انتخاب شد. از این‌رو، ۲۸ روستا به‌عنوان کل روستاهای مورد بررسی در سه شهرستان تعیین شدند و در مرحله بعد، پرسشنامه‌ها با توجه به نسبت جمعیتی، در میان روستاهای هر دهستان به‌صورت تصادفی توزیع و تکمیل شدند. به هر حال، از آنجا که سه شهرستان یادشده از بیشترین شدت مهاجرت روستایی برخوردار بوده‌اند، بررسی دسترسی به اعتبارات مالی و رابطه آن با ماندگاری افراد در روستا می‌تواند در مدیریت توسعه روستایی حائز اهمیت باشد. متغیر وابسته تحقیق حاضر بر مبنای ماندگاری روستاییان در سه دسته (رضایت‌مندی افراد در روستاها به‌صورت طیف لیکرت به میزان کم، متوسط و زیاد) تقسیم‌بندی شده است. با توجه به ترتیبی بودن این متغیر، الگوی مورد نظر پژوهش به شکل چندسطحی^۲ ترتیبی^۲ نمایان می‌شود.

۱- وقتی جامعه‌ای به شیوه‌های درست طبقه‌بندی شده، نمونه‌ای از اعضای هر طبقه می‌تواند با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده یا نمونه‌گیری نظام‌مند، استخراج شود. روش طبقه‌بندی نشان‌دهنده میزان همگنی در هر طبقه و ناهمگنی بین طبقات است و از آنجا که در مطالعه حاضر، الگوی چندسطحی برای ارزیابی ناهمسانی بین شهرستان‌ها و روستاها به کار برده شده، این روش نمونه‌گیری به‌خوبی توانسته است ناهمسانی‌ها را حتی در یک طبقه نشان دهد.

2. mMulti-level order logit



شکل ۱- الگوی مفهومی سه سطحی از روستاهای مورد بررسی

ساختار کلی یک الگوی چندسطحی ترتیبی به صورت رابطه (۱) بیان می شود:

(۱)

$$\text{Logit}(p_{ijk}) = \text{Log} \left[\frac{p_{ijk}}{(1 - p_{ijk})} \right] = \beta X_{ijk} + \delta W_{jk} + \gamma V_k + u_{jk} + v_k + e_{ijk}$$

که در آن، $p_{ijk} = \text{Pr}(Y_{ijk} = m)$ است.

چنانچه $i=1,2,3,\dots,192$ افراد روستایی، $j=1,2,3,\dots,n$ تعداد روستاها و $k=1,2,3$

شهرستان‌ها و همچنین، $1,2,3$ ، به ترتیب، شهرستان‌های سبزوار، گناباد و تربت حیدریه باشند، در این صورت، تعاریف زیر نیز برقرار می شود:

• $e_{ijk} \square (0, \pi^2/3)$ یعنی، جملات اخلاص سطح ۱ که دارای توزیع لاجستیک هستند، به

سمت میانگین صفر و واریانس $\pi^2/3$.

• $u_{jk} \square (0, \sigma_2^2)$ جملات اخلاص سطح ۲ با میانگین صفر و واریانس σ_2^2 .

- $v_k \sim (0, \sigma_3^2)$ جملات اخلال سطح ۳ با میانگین صفر و واریانس σ_3^2 (Goldstein, 1999; Snijders and Bosker, 1999).

سرانجام، به طور کلی، برای مدل G سطحی با ضرایب تصادفی همبستگی درون واحدی g سطح به صورت زیر تعریف می شود:

$$\rho^{(g)} = \frac{\sum_{l=g}^G \sigma_l^2}{\pi^2/3 + \sum_{l=2}^G \sigma_l^2}, \quad [0,1] \quad (2)$$

همچنین، از آنجا که واریانس ها اعدادی غیر منفی هستند، همبستگی ها همواره عددی بین صفر و یک هستند (Goldstein, 1999). در مطالعه حاضر، سعی بر این است که متغیرهای توضیحی در سطح ۱ (افراد روستایی) شامل متغیرهای فردی بررسی شود. همچنین، در سطوح ۲ و ۳، متغیرهای مرتبط با روستاها و شهرستانها لحاظ می شود.

با توجه به هدف پژوهش حاضر مبنی بر بررسی نقش دسترسی به اعتبارات مالی رسمی/ غیررسمی و رابطه آن با ماندگاری روستایی، ۳۹۷ پرسشنامه (با استفاده از روش نمونه گیری دومرحله ای) در قالب الگوی سه سطحی برای سه شهرستان و ۲۸ روستا تکمیل شد (انتخاب سطوح با توجه به ساختار سلسله مراتبی افراد/ روستا/ شهر به انتخاب محقق است، ولی باید این انتخاب مورد آزمون قرار گیرد که در قسمت نتایج، آزمون های مربوط این انتخاب را مورد تأیید قرار داده اند). جدول ۲، به طور خلاصه، روابط ایجاد شده را نشان می دهد که در آن، متغیر Y_{ijk}^* متغیر وابسته الگو و نشان دهنده میزان رضایت مندی از اقامت در روستا یا میزان تمایل به ماندگاری خانوارها (عدد ۱ میزان رضایت کمتر یا تمایل به مهاجرت بیشتر) است. ماتریس X_{ijk} نیز شامل تمامی متغیرهای به کار برده شده مرتبط با اطلاعات فردی (همانند سن = AGE، جنسیت = GENDER، تحصیلات = EDU، نوع فعالیت = FAR، سطح زیر کشت = CULTIVA، درآمد = INCOME، ارزش کل دارایی ها = ASSET، پس انداز = SAVING،

دسترسی به اعتبارات رسمی = FF، دسترسی به اعتبارات غیررسمی = IFF و β پارامترهای برآوردشده آن است. همچنین، ماتریس‌های V_k و W_{jk} ، به ترتیب، شامل متغیر(های) به کاربرده شده مرتبط با اطلاعات روستاها (نرخ بیکاری = UR، منابع آب روستا = SORCE، متوسط درآمد مردم روستا = AINCOME) و شهرستان‌ها (نرخ تعداد بانک‌ها نسبت به جمعیت = NBH، دستمزد شهری = WAGE) بوده، که عبارت‌های δ و γ نیز پارامترهای آن ماست. شایان یادآوری است که در هر سطح از سطوح به کارگرفته شده (فرد، روستا و شهر، افراد در داخل روستاها و روستاها در داخل شهرستان‌ها قرار دارند.

جدول ۲- مدل لاجیت چندسطحی ترتیبی

$Y_{ijk}^* = X_{ijk} \beta + W_{jk} \delta + V_k \gamma + e_{ijk}$	مدل عمومی
$Y_{ijk}^* = X_{ijk} \beta + W_{jk} \delta + V_k \gamma + u_{jk} + v_k + e_{ijk}$	
$Y_{ijk}^* = \beta_{0,jk} + \beta_{1,jk} (\text{Gender}_{ijk}) + \beta_{2,jk} (\text{AGE}_{ijk}) + \beta_{3,jk} (\text{FAR}_{ijk}) + \beta_{4,jk} (\text{LABOR}_{ijk}) + \beta_{5,jk} (\text{EDU1}_{ijk}) + \beta_{6,jk} (\text{EDU2}_{ijk}) + \beta_{7,jk} (\text{CULTIVA}_{ijk}) + \beta_{8,jk} (\text{INCOME}_{ijk}) + \beta_{9,jk} (\text{ASSET}_{ijk}) + \beta_{10,jk} (\text{SAVING}_{ijk}) + \beta_{11,jk} (\text{FF1}_{ijk}) + \beta_{12,jk} (\text{FF2}_{ijk}) + \beta_{13,jk} (\text{IFF}_{ijk}) + e_{ijk}$	سطح اول
$\beta_{0,jk} = \delta_{00k} + \delta_{01k} (\text{UR}_{jk}) + \delta_{02k} (\text{SORCE}_{jk}) + \delta_{03k} (\text{AINCOME}_{jk}) + \mu_{0,jk}$	سطح دوم
$\delta_{00k} = \gamma_{000} + \gamma_{001} (\text{NBH}_k) + \gamma_{002} (\text{WAGE}_k) + v_{00k}$	سطح سوم
$Y_{ijk}^* = \gamma_{000} + \gamma_{001} (\text{NBH}_k) + \gamma_{002} (\text{WAGE}_k) + \gamma_{010} (\text{UR}_{jk}) + \gamma_{020} (\text{SORCE}_{jk}) + \gamma_{030} (\text{AINCOME}_{jk}) + \gamma_{100} (\text{GENDER}_{ijk}) + \gamma_{200} (\text{AGE}_{ijk}) + \gamma_{300} (\text{FAR}_{ijk}) + \gamma_{400} (\text{LABOR}_{ijk}) + \gamma_{500} (\text{EDU1}_{ijk}) + \gamma_{600} (\text{EDU2}_{ijk}) + \gamma_{700} (\text{CULTIVA}_{ijk}) + \gamma_{800} (\text{INCOME}_{ijk}) + \gamma_{900} (\text{ASSET}_{ijk}) + \gamma_{1000} (\text{SAVING}_{ijk}) + \gamma_{1100} (\text{FF1}_{ijk}) + \gamma_{1200} (\text{FF2}_{ijk}) + \gamma_{1300} (\text{IFF}_{ijk}) + \mu_{0,jk} + v_{00k} + e_{ijk}$	مدل نهایی (سه سطحی)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در مدل نهایی (جدول ۱)، عبارت‌های (V_k) ، (μ_{jk}) اضافه شده و بیانگر این است که ناهمسانی‌های موجود در بین روستاها و شهرستان‌ها (در صورت وجود) در این الگو لحاظ شده‌اند. اجزای اخلاط مرتبط با سطح فرد برابر با e_{ijk} است. برآوردها با استفاده از نرم‌افزار STATA نسخه ۱۴ مستخرج شده است.

با توجه به روش تحقیق پیش گفته، سرانجام، ۲۸ روستابه‌طور تصادفی انتخاب شدند و سپس بر اساس رابطه کوکران، نمونه‌ای به حجم ۳۹۷ خانوار روستایی انتخاب و با استفاده از پرسشنامه به‌صورت مصاحبه چهره به چهره داده‌های مربوط جمع‌آوری شد.

نتایج و بحث

در این قسمت، پس از تکمیل پرسشنامه‌ها از خانوارهای روستایی شهرستان‌های گناباد، تربت حیدریه و سبزوار در استان خراسان رضوی و دسته‌بندی اطلاعات، سعی شده است که ابتدا به توصیف و فراوانی داده‌ها اشاره شود و سپس، نتایج الگوی چندسطحی ارائه و اثرات نهایی محاسبه شود.

جدول ۳ تعریف و توصیف هر کدام از متغیرهای موجود را بیان می‌کند که بدین شرح است: سطح اول شامل متغیرهای فردی در روستاها و سطح دوم شامل متغیرهای مرتبط با روستاست و سطح سوم نیز متغیرهای کلان‌تر و مرتبط با شهرستان را در نظر می‌گیرد. بنابراین، در هر سطح، متغیر مربوط به همان سطح به‌عنوان پارامتری جدید وارد الگوی نهایی شده و نتایج آن استخراج شده است. شایان یادآوری است که با توجه به کمتر بودن فراوانی برخی از طیف‌های متغیرها، این دسته از متغیرها با گروه بالاتر ادغام شده‌اند که از آن میان، می‌توان به میزان تحصیلات افراد اشاره کرد. در متغیر میزان تحصیلات، با توجه به اینکه طیف‌های دیگری همچون افراد کاملاً بی‌سواد و دارای مقاطع پایین‌تر از دیپلم نیز در نظر گرفته شده، به‌علت تعداد فراوانی کم، این متغیرها با گروه دیپلم ادغام شده‌اند.

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

سطوح	متغیرها	توصیف
سطح اول	جنسیت	یک متغیر مجازی کیفی شامل زن= ۱، مرد= ۲
	سن	یک متغیر کمی مبتنی بر تعداد سال‌های عمر سرپرست خانوار
	نوع فعالیت	یک متغیر کیفی با سه گروه از فعالیت‌های روستایی شامل صنایع دستی و مغازه‌دار= ۰، کشاورزی و دامداری= ۱، کارگری و کارمندی= ۲
	تحصیلات ^۰	یک متغیر مجازی کیفی با سه گروه شامل سیکل تا دیپلم= ۰، دیپلم و فوق دیپلم= ۱، کارشناسی و بالاتر= ۲
	سطح زیر کشت	یک متغیر کمی شامل مجموع زمین‌های زراعی و باغی در حال کشت افراد (هکتار)
	درآمد	یک متغیر کمی شامل متوسط درآمد سرپرست خانوار (میلیون تومان)
	ارزش کل دارایی‌ها	یک متغیر کمی شامل مجموع کل دارایی‌های با نقدشوندگی بالا یعنی، مجموع ارزش وسیله نقلیه، دام، زمین، تولیدات و هر آنچه در انبار مثل کاه و علوفه خشک و خشکبار موجود است (میلیون تومان)
	پس انداز	یک متغیر کمی شامل میزان پس انداز خانوار در سال زراعی قبل که توسط خود افراد بدان اشاره شده است (میلیون تومان)
	دسترسی به اعتبارات رسمی	یک متغیر کیفی رتبه‌ای برای کشاورزانی که طی سال گذشته، موفق به اخذ وام از بانک‌های تجاری شده‌اند. این کشاورزان در سه گروه شامل کمتر از ده میلیون تومان= ۰، بین ده تا بیست میلیون تومان= ۱ و بالاتر از بیست میلیون تومان تقسیم شده‌اند. این تقسیم‌بندی با توجه به میزان فراوانی و همچنین، نظر متخصصان و کارشناسان در قسمت وام‌دهی بانک‌ها انجام گرفته است.
	دسترسی به اعتبارات غیررسمی	یک متغیر کیفی که منظور اخذ وام کشاورزان در شرایط اضطراری از سلف‌خران، کسبه و صندوق‌های محلی در طول سال گذشته است و شامل دو گروه دسترسی به اعتبارات غیررسمی= ۱ و عدم دسترسی به اعتبارات غیررسمی می‌شود.
سطح دوم	نرخ بیکاری روستایی	این متغیر حاصل تعداد کل افراد بیکار روستا به جمعیت فعال روستا ضرب در صد بوده است (بر حسب درصد)
	منابع آب روستا	منابع آب کشاورزی روستا با سه گزینه معمول (چاه، قنات، چشمه) مشخص شده است.
	متوسط درآمد مردم روستا	با توجه به پراکندگی درآمد که مربوط به تنوع فعالیت در برخی روستاهاست، پرسشی طراحی شده است که در پاسخ بدان، اعضای شورای روستا به‌عنوان افراد ساکن روستا با شناخت قابل قبول از وضعیت اهالی، بر اساس فرم غالب فعالیت‌های روستا، میزان متوسط درآمد اکثریت مردم روستا را اعلام کرده‌اند (میلیون تومان)
سطح سوم	تعداد بانک نسبت به جمعیت	تعداد کل بانک‌های تجاری شهر به نسبت جمعیت شهر (روستا و شهر) بررسی شده است.
	دستمزد شهری	دستمزد شهری متوسط بر اساس اعلام اداره کار و امور اجتماعی شهرستان و عرف پرداختی برای یک کارگر ساده (میلیون ریال)

^۰ با توجه به فراوانی کم گروه سیکل تا دیپلم، دو گروه «سیکل تا دیپلم» و «کمتر از سیکل» با یکدیگر ادغام شدند. مأخذ: یافته‌های پژوهش

بررسی و سنجش اثرات دسترسی مالی.....

با توجه به جدول ۴ که فراوانی متغیر وابسته را نشان می دهد، از کل ۳۹۷ خانوار مورد بررسی، ۲۳/۶۸ درصد (۹۴ خانوار) رضایت مندی کم، ۳۷/۷۸ درصد (۱۵۰ خانوار) رضایت مندی متوسط و ۳۸/۵۴ درصد (۱۵۷ خانوار) رضایت مندی زیاد از اقامت در روستا داشته اند. با این حال، در سال های اخیر، نرخ مهاجرت از روستا به شهر افزایش یافته است و نتایج جدول ۳ می تواند بدین دلیل جذاب باشد که چه عواملی منجر به کاهش رضایت از ماندگاری خانوارها در این روستاها شده است.

جدول ۴- فراوانی و درصد فراوانی گروه های متغیر وابسته

گروه های متغیر وابسته	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی تجمعی
۱ (رضایت مندی کم)	۹۴	۲۳/۶۸	۲۳/۶۸
۲ (رضایت مندی متوسط)	۱۵۰	۳۷/۷۸	۶۱/۴۶
۳ (رضایت مندی زیاد)	۱۵۳	۳۸/۵۴	۱۰۰
جمع کل	۳۹۷	۱۰۰	

مأخذ: یافته های پژوهش

یکی از مهم ترین متغیرهای پژوهش که نحوه اثرگذاری آن بر تمایل به ماندگاری افراد شایان توجه است، متغیر دسترسی به اعتبارات رسمی است. گروه بندی متغیر دسترسی به اعتبارات رسمی در جدول ۵ آمده است. متغیر دسترسی به اعتبارات رسمی به لحاظ مقدار یا حجم وام گرفته شده به سه گروه کمتر از ده میلیون تومان، بین ده تا بیست میلیون تومان و بیشتر از بیست میلیون تومان تقسیم شده است. از کل خانوارهای مورد بررسی، مقدار وام دریافتی ۷۶ خانوار کمتر از ده میلیون تومان، ۲۱۷ خانوار بین ده تا بیست میلیون تومان و ۲۱ خانوار بیشتر از بیست میلیون تومان بوده است. نتایج نشان داد که ۵۴/۶۶ درصد از خانوارها بین ده تا بیست میلیون

تومان، ۴۰/۰۵ درصد از خانوارها کمتر از ده میلیون تومان و تنها ۵/۲۹ درصد از خانوارها بالاتر از بیست میلیون تومان وام دریافت کرده‌اند.^۱

جدول ۵- فراوانی و درصد فراوانی گروه‌های دسترسی به اعتبارات رسمی

گروه‌های متغیر وابسته	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۱۰ میلیون تومان (۰)	۷۶	۱۹/۱۴
بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان (۱)	۲۱۷	۵۴/۶۶
بالاتر از ۲۰ میلیون تومان (۲)	۲۱	۵/۲۹
جمع کل	۳۱۴	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش

فراوانی و درصد فراوانی متغیر دسترسی به اعتبارات غیررسمی که به‌عنوان یک متغیر مجازی در پژوهش حاضر تعریف شده، در جدول ۶ آمده است. برای خانوارهایی که به اعتبارات غیررسمی دسترسی دارند، کد یک و در غیر این صورت، کد صفر ارائه شده است. نتایج نشان داد که تنها ۲۵/۹۵ درصد از خانوار به اعتبارات غیررسمی چون سلف‌خران، کسبه و صندوق‌های محلی دسترسی داشته‌اند.

جدول ۶- فراوانی و درصد فراوانی گروه‌های دسترسی به اعتبارات غیررسمی

گروه‌های متغیر وابسته	فراوانی	درصد فراوانی
۱ (دسترسی به اعتبارات غیررسمی)	۱۰۳	۲۵/۹۵
۰ (عدم دسترسی به اعتبارات غیررسمی)	۲۹۴	۷۴/۰۵
جمع کل	۳۹۷	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱- تعداد ۸۳ نفر (۲۰/۹۱ درصد) از حجم نمونه هیچ‌گونه وام رسمی دریافت نکرده بودند و از این‌رو، در گروه اعتبارات رسمی قید نشدند.

برای درستی کاربرد تصریح الگوی چندسطحی، از ضریب همبستگی درون گروهی^۱ (معادل رابطه (۲) در روش‌شناسی تحقیق) و شاخص اثر طراحی^۲ استفاده شده (با بهره‌گیری از نرم‌افزار STATA 14) و نتایج آن در جدول ۷ آمده است. هر دو آماره همبستگی درون گروهی و شاخص اثر طراحی به میزان ارتباط بین سطوح اشاره می‌کنند. بر اساس نتایج محاسباتی جدول ۷، مقادیر آماره ICC برای سطوح روستا و شهر، به ترتیب، برابر با ۰/۴۸ و ۰/۲۵ است که با توجه به بیشتر بودن این مقادیر از ۰/۲، می‌توان گفت که اثرات خودهمبستگی درون‌واحدی شایان توجه است. به دیگر سخن، در سطح روستاها، میزان همبستگی درون‌واحدی برابر با ۰/۴۸ بوده و بیانگر این است که در بین روستاها، متغیرهای نرخ بیکاری، وجود و عدم وجود منابع آب و متوسط سطح درآمد مردم حدود ۰/۴۸ واریانس بین روستاها (و یکی از عوامل عدم ماندگاری در روستاها) را شامل می‌شوند؛ همچنین، در سطح شهرستان، تعداد بانک نسبت به جمعیت شهر و نرخ دستمزد شهری حدود ۰/۲۵ واریانس‌های بین شهرها را نشان می‌دهد. مقدار عددی DE نیز برای هر دو سطح روستا و شهر بیشتر از عدد ۲ برآورد شده و بیانگر درستی کاربرد الگوی سه‌سطحی است.

جدول ۷- آماره ضریب همبستگی درون گروهی (ICC) و شاخص اثر طراحی (DE)

آماره	مقدار آماره
ICC سطح روستا	۰/۴۸
ICC سطح شهر	۰/۲۵
DE سطح روستا	۷/۳۴
DE سطح شهر	۴/۲۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

1. Intraclass Correlation Coefficient (ICC)
2. Design Effect (DE)

همان گونه که اشاره شد، تصریح چندسطحی در الگو درست بوده^۱ و از این رو، نتایج برآورد الگوی لاجیت ترتیبی سه سطحی در جدول ۸ گزارش شده است. جدول ۸ حاوی خروجی های سطح اول (خانوار)، سطح دوم (روستاها) و سطح سوم (شهرستانها) است. نکته مهم این است که در الگوهای با متغیر وابسته محدود شده، ضرایب برآوردی به طور مستقیم قابل تفسیر نیست و به تفسیر علامت آنها پرداخته می شود که نشان دهنده جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر احتمال قرار گرفتن در سطوح مختلف میزان رضایت مندی از اقامت در روستاست. نتایج جدول ۸ به صورت خلاصه حاکی از آن است که از بین متغیرهای سطح اول، متغیر تحصیلات دارای اثر منفی بر رضایت از اقامت در روستاست و به دیگر سخن، با افزایش میزان تحصیلات، احتمال مهاجرت افراد از مناطق روستایی به مناطق شهری افزایش می یابد. یکی از دلایل این موضوع با توجه به پرسشنامه و اظهار نظر روستاییان آن است که در مناطق روستایی، شغل مناسب برای افراد تحصیل کرده وجود ندارد و به بیان دیگر، در مناطق روستایی، مشاغل عمدتاً به صورت سنتی و غیر تخصصی است و برای افراد تحصیل کرده و متخصص در مناطق روستایی که قاعدتاً انتظارات و توقعات بیشتری پیدا کرده اند، جایی وجود ندارد. ایجاد کسب و کارهای روستایی تخصصی متناسب با مزیت های نسبی هر روستا و استفاده از دانش آموختگان دانشگاهی در این مراکز می تواند به ماندگاری افراد تحصیل کرده در روستا کمک کند.

۱- ضمن اینکه آزمون هم خطی نیز بیانگر عدم همخطی بین متغیرها بوده است که به علت صرفه جویی در ارائه مطالب، بیان نشده است.

بررسی و سنجش اثرات دسترسی مالی.....

جدول ۸- نتایج الگوی لاجیت ترتیبی سه سطحی

سطوح	متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد مقاوم	آماره Z	سطح معنی داری
رشد	جنسیت	۰/۱۳۲	۰/۳۱۸	۰/۴۲	۰/۶۷۸
	سن	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۰/۱۱	۰/۹۰
	تحصیلات				
	فوق دیپلم ^۱	-۰/۶۹۶	۰/۳۰۹	-۲/۲۵	۰/۰۲۴
	کارشناسی و بالاتر	-۱/۴۱۲	۰/۵۳۴	-۲/۶۴	۰/۰۰۸
	نوع فعالیت				
	کشاورزی	۱/۱۹۸	۰/۴۱۲	۲/۹۱	۰/۰۰۴
	کارگری و کارمندی	-۰/۶۷۸	۰/۲۷۸	-۲/۴۴	۰/۰۱۵
	سطح زیرکشت	۰/۸۳۹	۱/۳۶۱	۰/۶۲	۰/۵۳۸
	درآمد	۰/۰۲۶	۰/۰۱۱	۲/۴۰	۰/۰۱۷
	ارزش کل دارایی‌ها	۰/۰۳۶	۰/۰۲۰	۱/۸۱	۰/۰۷۰
	پس‌انداز	۰/۰۳۱	۰/۰۱۴	۲/۱۸	۰/۰۳۰
	دسترسی به اعتبارات رسمی				
	بین ۱۰-۲۰ میلیون تومان	۰/۲۲۶	۰/۱۷۳	۱/۳۱	۰/۱۹۰
	بالاتر از ۲۰ میلیون تومان	۱/۳۰۲	۰/۴۵۰	۲/۸۹	۰/۰۰۴
دسترسی به اعتبارات غیررسمی	-۰/۵۱۲	۰/۲۱۹	-۲/۳۴	۰/۰۱۹	
آستانه اول	-۲/۴۳۰	-	-	-	
آستانه دوم	۲/۴۵	-	-	-	
رشد	واریانس نرخ بیکاری روستایی	۰/۳۱۴	-	-	-
	واریانس منابع آب روستا	۰/۸۲۲	-	-	-
	واریانس متوسط درآمد مردم روستا	۰/۹۵۸	-	-	-
	واریانس عرض از مبدأ	۰/۹۵۵	-	-	-
رشد	واریانس تعداد بانک نسبت به جمعیت	۰/۱۴۱	-	-	-
	واریانس دستمزد شهری	۰/۹۶۸	-	-	-
	واریانس عرض از مبدأ	۰/۹۵۵	-	-	-
رشد	آماره شبه راست‌نمایی	-۴۰۰/۲۱	-	-	-
	آماره والد	۹۳/۵۶	-	-	-
	سطح معنی داری کل الگو	۰/۰۰۰	-	-	-
	تعداد مشاهدات	۳۹۷	-	-	-

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱- هنگامی که تغییری به صورت گسسته در نظر گرفته می‌شود، چنانچه K طیف داشته باشد، ضرایب آن به صورت K-1 نمایش داده می‌شود تا در «دام» یا «تله» متغیرهای مجازی یا موهومی قرار نگیرد. بنابراین، متغیرهایی اعم از جنسیت، تحصیلات و اعتبارات در این دسته‌اند و تعداد ضرایب یکی کمتر است.

همچنین، متغیر نوع فعالیت حاکی از آن است که افراد شاغل در فعالیت‌های کشاورزی در روستا تمایل بیشتری برای ماندگاری در روستا دارند و اکثر افرادی که به دنبال مهاجرت از روستا به شهر هستند، افراد با مشاغل کارگری و کارمندی هستند که به امید درآمدهای بالاتر، تمایل به ترک مناطق روستایی دارند. متغیرهای سطح درآمد، سطح پس‌انداز و ارزش دارایی‌های روستاییان نیز مطابق انتظار، اثر مثبت بر تمایل و رضایت به ماندگاری در روستا دارند و از این رو، ارائه راهکارهایی برای افزایش درآمد روستاییان و بهبود وضعیت رفاهی آنها می‌تواند از مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به شهرها جلوگیری کند.

با توجه به نتایج جدول ۸، دسترسی به اعتبارات رسمی فقط برای خانوارهایی که بالاتر از بیست میلیون تومان وام دریافت می‌کنند، اثر مثبت و معنی‌دار بر میزان رضایت‌مندی خانوارها از اقامت در روستا دارد و برای خانوارهایی که کمتر از این مبلغ وام دریافت کرده‌اند، بی‌اثر است. به دیگر سخن، با افزایش مبلغ وام از ده میلیون به بالاتر، احتمال قرار گرفتن خانوار در سطوح بالاتر میزان رضایت‌مندی از اقامت در روستا یا سطوح پایین تمایل به مهاجرت افزایش می‌یابد. همچنین، دسترسی به اعتبارات غیررسمی دارای اثر منفی و معنی‌دار بر میزان رضایت‌مندی خانوار از اقامت در روستاست و احتمال تمایل به مهاجرت در افرادی که از این مجرا اعتبار خود را تأمین می‌کنند، افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، تأمین منابع مالی از مجاری غیررسمی احتمال قرار گرفتن خانوار در سطوح پایین‌تر میزان رضایت‌مندی از اقامت در روستا یا سطوح بالاتر تمایل به مهاجرت را افزایش می‌دهد. در سطح دوم، واریانس نرخ بیکاری، منابع آب و متوسط سطح درآمد مردم روستا ارائه شده و در سطح سوم نیز واریانس‌های تعداد بانک نسبت به جمعیت شهر و دستمزد شهری بیان شده است. هر کدام از واریانس‌ها در سطوح روستا و شهر بیانگر آن است که وجود هر کدام از پارامترهای در نظر گرفته شده به همان مقدار می‌تواند تمایل به ماندگاری افراد را بهبود بخشد و این پارامترها از عوامل ایجاد ناهمسانی بین روستاها و شهرستان‌ها هستند. واریانس‌های عرض از مبدأ در سطوح روستا و شهرها بیانگر واریانس تمامی عواملی همچون تغییرات آب‌وهوایی و اقلیمی، منابع طبیعی و... است که به علت زمان‌بر بودن و هزینه‌های اضافی، در الگو لحاظ نشده و نادیده گرفته شده است.

برآورد اثرات نهایی

همان‌گونه که مشخص است، در الگوهای انتخاب با متغیر وابسته محدود، ضرایب متغیرهای توضیحی به صورت مستقیم قابل تفسیر نیستند و باید از اثرات نهایی برای تفسیر متغیرها استفاده کرد. نتایج اثر نهایی متغیرهای توضیحی برای هر کدام از گروه‌های متغیر وابسته (کم، متوسط و زیاد) در جدول ۹ ارائه شده است. هرچند، اثرات نهایی برای تمامی متغیرها محاسبه شده، اما تنها برخی از متغیرهای مهم تر مورد تفسیر قرار گرفته است^۱.

جدول ۹- اثرات نهایی متغیرهای توضیحی

متغیرها	تغییرات	گروه‌ها	
		کم	متوسط
جنسیت	اثر نهایی	-۰/۰۱۴۳	-۰/۰۰۱۲
سن	اثر نهایی	-۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۰
تحصیلات			
فوق دیپلم	۱→۰	۰/۰۷۶۱	۰/۰۰۶۲
کارشناسی و بالاتر	۲→۰	۰/۱۵۴۱	۰/۰۱۲۶
نوع فعالیت			
کشاورزی	۱→۰	-۰/۱۳۰۱	-۰/۰۱۰۶
کارگری و کارمندی	۲→۰	۰/۰۷۴۰	۰/۰۰۶۱
سطح زیر کشت	اثر نهایی	-۰/۰۹۱۶	-۰/۰۰۷۵
درآمد	اثر نهایی	-۰/۰۰۲۸	-۰/۰۰۰۲
ارزش کل دارایی‌ها	اثر نهایی	-۰/۰۰۳۹	-۰/۰۰۰۳
پس‌انداز	اثر نهایی	-۰/۰۰۳۳	۰/۰۰۰۳
دسترسی به اعتبارات رسمی			
بین ۱۰-۲۰ میلیون تومان	۱→۰	-۰/۰۲۴۴	-۰/۰۰۲۰
بالاتر از ۲۰ میلیون تومان	۲→۰	-۰/۱۴۱۶	-۰/۰۱۱۶
دسترسی به اعتبارات غیررسمی	۱→۰	۰/۰۵۵۸	۰/۰۰۴۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۱- لازم به ذکر است که اعداد بیان شده برای گروه‌ها به صورت مستقیم تفسیر می‌شوند و نیازی به آماره Prob برای معنی‌داری یا غیرمعنی‌داری ندارند.

با توجه به نتایج جدول ۹، برای متغیر ارزش کل دارایی‌ها، با افزایش این متغیر به میزان یک واحد (درصد^۱) و با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، احتمال قرار گرفتن خانوارها در گروه رضایت‌مندی زیاد از اقامت در روستا به میزان ۰/۰۰۴۲ واحد (درصد) افزایش می‌یابد. این در حالی است که احتمال قرار گرفتن خانوار در گروه رضایت‌مندی کم و متوسط، به ترتیب، به میزان ۰/۰۰۳۹ و ۰/۰۰۰۳ کاهش می‌یابد. برای متغیر پس‌انداز، با افزایش این متغیر به میزان یک واحد و با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، احتمال قرار گرفتن خانوارها در گروه رضایت‌مندی زیاد از اقامت در روستا به میزان ۰/۰۰۳۶ واحد (درصد) افزایش می‌یابد. این در حالی است که احتمال قرار گرفتن خانوار در گروه رضایت‌مندی کم و متوسط، به ترتیب، به میزان ۰/۰۰۳۳ و ۰/۰۰۰۳ واحد (درصد) کاهش می‌یابد. نتایج اثر نهایی متغیرهای متوسط درآمد، ارزش کل دارایی و میزان پس‌انداز خانوارها بیانگر این موضوع است که هر گونه افزایش در سطح درآمد، دارایی و پس‌انداز خانوار منجر به ایجاد انگیزه برای توسعه کسب و کار بومی خود و افزایش تمایل به ماندگاری آنها در روستا می‌شود. متغیر دسترسی به اعتبارات رسمی بالاتر از بیست میلیون تومان احتمال قرار گرفتن خانوارها در گروه رضایت‌مندی زیاد از اقامت در روستا را به میزان ۰/۱۵۳۵ واحد (درصد) افزایش و احتمال قرار گرفتن خانوار در گروه رضایت‌مندی کم و متوسط در روستا را به ترتیب، به میزان ۰/۱۴۱۶ و ۰/۰۱۱۶ واحد (درصد) کاهش می‌دهد. همچنین، دسترسی خانوارها به اعتبارات غیررسمی احتمال قرار گرفتن آنها در گروه رضایت‌مندی کم و متوسط را به ترتیب، به میزان ۰/۰۵۵۸ و ۰/۰۰۴۶ واحد (درصد) افزایش و احتمال قرار گرفتن خانوار در گروه رضایت‌مندی زیاد در روستا را به میزان ۰/۰۶۰۴ واحد (درصد) کاهش می‌دهد. نتایج اثر نهایی متغیرهای دسترسی به اعتبارات رسمی و غیررسمی بیانگر این موضوع است که اعطای تسهیلات به خانوار روستایی باعث افزایش انگیزه آنها برای ماندن در سطح روستا می‌شود، اما نه از طریق اعطای تسهیلات از نهادهای غیررسمی. دریافت

۱- هر دو تفسیر واحد- واحد و درصد- درصد صحیح است و می‌توان هر دو تفسیر را به کار برد.

تسهیلات خانوار از نهادهای غیررسمی نه تنها اثر مثبت بر رضایت‌مندی خانوار نداشته، بلکه دارای آثار بازدارنده بر ماندن در روستا نیز بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اهمیت نقش مهاجرت روستایی در اقتصاد و دوام روستا، تحلیل و شناسایی عوامل مؤثر بر ماندگاری خانوار روستایی و نیز شناسایی اقدامات لازم از جمله تأمین مالی، برای کاهش مهاجرت چه در سطح خرد و چه در سطح کلان جامعه، ضروری می‌نماید. بدین منظور، در تحقیق حاضر، ۳۹۷ پرسشنامه از خانوارهای روستایی شهرستان‌های گناباد، تربت‌حیدریه و سبزوار در استان خراسان رضوی تکمیل و از الگوی لاجیت ترتیبی سه‌سطحی استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۸، برای متغیر تحصیلات، با نتایج مطالعات وستلند (Westlund, 2018) و بروک و ون دن بروک (Brück and Van den Broeck, 2006) و برای متغیرهای فعالیت کشاورزی و سطح زیر کشت، با نتایج مطالعه آروری و همکاران (Arouri et al., 2017) و همچنین، برای متغیرهای متوسط درآمد، ارزش کل دارایی‌ها و میزان پس‌انداز، با نتایج مطالعه اختر (Akhtar, 2012) همراستا بوده است.

در نهایت، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دسترسی به اعتبارات رسمی بالاتر از بیست میلیون تومان احتمال قرار گرفتن خانوار در سطوح بالاتر رضایت‌مندی از اقامت در روستا را افزایش و دسترسی به اعتبارات غیررسمی احتمال قرار گرفتن خانوار در سطوح بالاتر رضایت‌مندی از اقامت در روستا را کاهش می‌دهد. این یافته با نتایج سایر مطالعات نیز سازگار است، زیرا بر اساس نتایج بسیاری از پژوهش‌ها مانند مطالعات یالسین (Yalçın, 2004)، فیلزتکین و گوکان (Filiztekin and Gökhan, 2008)، اوزوزن کهرمان و همکاران (Özözen Kahraman et al., 2011)، سیرکسی و همکاران (Sirkeci et al., 2012)، کورفعلی و همکاران (Korfali et al., 2014)، آکین و دوکمسی (Akın and Dökmeci, 2015) و تولی (Tolay, 2015)، افراد تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر را در پاسخ به مسائل بیکاری، نابرابری،

فقر و عدم تعادل در امکانات زندگی شهری و روستایی اتخاذ می‌کنند؛ همچنین، مطالعات دیگری مانند هو و همکاران (Hu et al., 2011)، کلارک و همکاران (Clarke et al., 2003)، بار (Barr, 2005)، لیتفیلد و همکاران (Littlefield et al., 2003)، آیاگاری و همکاران (Ayyagari et al., 2010)، مالیک (Mallick, 2012)، برگ و همکاران (Berg et al., 2013) و کاندکر و صمد (Khandker and Samad, 2013) نشان دادند که دسترسی خانوارهای روستایی به اعتبارات تا حدودی باعث حل مشکلاتی چون بیکاری، فقر، محرومیت، نابرابری و عدم تعادل امکانات شهری و روستایی می‌شود. بنابراین، دسترسی به اعتبارات از طریق مجاری ایجاد اشتغال، کاهش فقر و محرومیت، بهبود سطح درآمد و دارایی منجر به کاهش تمایل به مهاجرت خانوارها شده است.

اگرچه دسترسی به اعتبارات منجر به افزایش رضایت‌مندی خانوار شده، اما دسترسی به اعتبارات غیررسمی اثرات معکوس بر رضایت‌مندی خانوار داشته است. در همین زمینه، به گفته دبدول (Debdulal, 2012)، خانوار روستایی به‌طور عمده به دلیل نداشتن وثیقه نمی‌توانند به اعتبارات رسمی دسترسی داشته باشند و به بازارهای غیررسمی مانند رباخواران متوسل می‌شوند و آنها نرخ بهره بالاتری برای وام طلب می‌کنند، که منجر به افزایش محرومیت و فقر آنها می‌شود. از این‌رو، یکی از استدلال‌های ارائه‌شده برای صنعت تأمین مالی خرد جایگزینی آن به جای بازار اعتباری غیررسمی برای کمک به مردم فقیر به‌منظور فرار از چنگال رباخواران است (Meyer, 2002).

در نهایت، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند یک تصویر شفاف برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای فراهم کند تا در راستای توسعه و دوام نواحی روستایی، سیاست‌گذاری مناسب داشته باشند. بنابراین، مبتنی بر نتایج پژوهش حاضر، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به اثر منفی متغیر میزان تحصیلات بر رضایت‌مندی خانوار از اقامت در روستا، لازم است که دولت برنامه و سیاست‌هایی چون تسهیل در مراحل شروع کسب‌وکار در روستا،

اعطای وام‌های کارآفرینی روستایی و برنامه‌های مهارت‌افزایی و توانمندسازی را برای افزایش انگیزه و ماندگاری این افراد در روستا در پیش گیرد تا علاوه بر جلوگیری از مهاجرت این افراد، سرمایه اجتماعی روستا حفظ شود. اثر منفی متغیر تحصیلات بر رضایت از اقامت در روستا بدین دلیل است که در مناطق روستایی، شغل مناسب برای افراد تحصیل کرده وجود ندارد و مشاغل عمدتاً سنتی و غیرتخصصی به‌شمار می‌روند. بنابراین، فرد تحصیل کرده عملاً در روستا جایگاهی ندارد و از طرفی هم انتظارات و توقعات بیشتری پیدا کرده است. از این رو، ایجاد کسب‌وکارهای روستایی تخصصی متناسب با مزیت‌های نسبی هر روستا و استفاده از دانش‌آموختگان دانشگاهی در این مراکز می‌تواند به ماندگاری افراد تحصیل کرده در روستا کمک کند.

۲- با توجه به اثر مثبت متغیر فعالیت کشاورزی و سطح زیر کشت بر رضایت‌مندی خانوار از اقامت در روستا، شایسته است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای راهبردهایی چون ارائه یارانه‌های تولیدی، تأمین اعتباری بخش کشاورزی، مهارت‌آموزی در راستای افزایش بهره‌وری تولید، فراهم‌سازی فناوری پیشرو و سیاست‌های توسعه کشاورزی را در دست اجرا قرار دهند، چراکه این راهبردها، افزون بر توسعه بخش کشاورزی، منجر به بهبود سطح درآمد و دارایی خانوار شده، به ماندگاری افراد در روستا می‌انجامد.

۳- با توجه به اثر مثبت متغیر فعالیت کشاورزی و سطح درآمد خانوار بر میزان رضایت‌مندی خانوار از اقامت در روستا، لازم است که دولت، با اتخاذ سیاست‌های بازاریابی مناسب، زمینه ایجاد ارزش افزوده را برای خانوار روستایی فراهم سازد؛ همچنین، با تعریف زنجیره‌های مختلف عرضه محصولات، شرایط دسترسی مستقیم خانوار روستایی به بازار را تسهیل کند؛ و سرانجام، با استفاده از سیاست‌های حمایتی مناسب چون تعیین درآمد تضمینی، به حفاظت از سطح درآمد خانوار روستایی پردازد.

۴- با توجه به اثر مثبت دسترسی اعتبارات رسمی چون نهادهای تأمین مالی خرد بر میزان رضایت‌مندی خانوار از اقامت در روستا، شایسته است که دولت، با اتخاذ سیاست‌های

مناسب چون تسهیل شرایط گرفتن وثیقه، زمینه دسترسی خانوار روستایی به اعتبارات رسمی را فراهم سازد؛ همچنین، دولت می‌تواند با گسترش نهادهای تأمین مالی خرد، شرایط آسان دسترسی خانوار به اعتبارات را بهبود بخشد و با حمایت از نهادهای مالی خرد فعلی، تعداد خانوار بهره‌مند از این تسهیلات را افزایش دهد و نیز با ارائه برنامه متنوع اعطای وام خرد، شرایط لازم برای اشتغال‌زایی، کارآفرینی، توسعه تولیدات کشاورزی و مهارت‌آموزی خانوار در نواحی روستایی را فراهم سازد.

۵- با توجه به اثر نهایی متغیرهای دسترسی به اعتبارات رسمی و غیررسمی، اعطای تسهیلات به خانوارهای روستایی به صورت رسمی (و نه غیررسمی) باعث افزایش انگیزه آنها برای ماندن در سطح روستا می‌شود و این افراد می‌توانند با این تسهیلات رسمی دریافتی، کسب و کارهای خود در مناطق روستایی را توسعه بخشیده، رضایت و تمایل بیشتری برای ماندن در روستا داشته باشند.

منابع

1. Afrakhteh, H. and Aghaeizadeh, E. (2011). Rural migration and hegemony of recession factors, case study: Bandar Anzali. *Journal of Housing and Rural Environment*, 30(133): 71-84. (Persian)
2. Akbarpour, M., Motiei Langroudi, H., Rezvani, M.R. and Noorbakhsh, M.R. (2014). Explaining the appropriate strategy for population retention in rural settlements, case study: Hashtrud city. *Rural Research*, 5(4): 893-910. (Persian)
3. Akhtar, D.N. (2012). People need more than just microfinance: evidence from Pakistan. Management Department, Yanbu University College, Yanbu, Saudi Arabia. *British Journal of Arts and Social Sciences*, 4(2): 319-329.
4. Akın, D. and Dökmeçi, V. (2015). Cluster analysis of interregional migration in Turkey. *Journal of Urban Planning and Development*, 141(3): 05014016.
5. Allen, F., Demircuc-Kunt, A., Klapper, L. and Peria, M.S.M. (2012). The foundations of financial inclusion: understanding ownership and use of formal accounts. World Bank Policy Research Working Paper, WPS6290. Washington, DC: World Bank.

6. Anthopoulou, T., Kaberis, N. and Petrou, M. (2017). Aspects and experiences of crisis in rural Greece: narratives of rural resilience. *Journal of Rural Studies*, 52: 1-11.
7. Armendariz, B. and Morduch, J. (2010). *The economics of microfinance*. Cambridge, MA: The MIT Press.
8. Arouri, M., Ben Youssef, A. and Nguyen, C. (2017). Does urbanization reduce rural poverty? Evidence from Vietnam, Centre Clermontois de Recherche en Gestion et Management (CRCGM), Clermont-Ferrand, France. *Economic Modelling*, 60: 253-270.
9. Ashraf, N., Karlan, D. and Yin. W. (2010). Female empowerment: further evidence from a commitment savings product in the Philippines. *World Development.*, 28(3), 333-344.
10. Ayyagari, M., Demirguc-Kunt, A. and Maksimovic, V. (2010). Formal versus Informal Finance: evidence from China. *Review of Financial Studies* 23: 3048-3097.
11. Bani-Asadi, M., Zare Mehrjerdi, M.R. and Varmazyari, H. (2013). Investigating the economic factors affecting rural migration in Iran. *Journal of Agricultural Economics Research*, 5(17): 183-196. (Persian)
12. Barr, M. (2005). Microfinance and financial development. *Michigan Journal of International Law*, 26(1): 271-296.
13. Beck, T., Demirguc-Kunt, A. and Maksimovic, V. (2002). Financing patterns around the world: the role of institutions. Policy Research Working Paper 2905. Washington, DC: World Bank.
14. Beck, T., Demirguc-Kunt, A. and Martinez Peria, M. (2007). Reaching out: access to and use of banking services across countries. *Journal of Financial Economics*, 85(1): 234-266.
15. Berg, C., Emranm, M.S. and Shilpi, F., (2013). Microfinance and moneylenders: the effects of mfis on informal credit market in Bangladesh. Working Paper, World Bank Research Department.
16. Billari, F.C. and Liefbroer, A.C. (2010). Towards a new pattern of transition to adulthood? *Advances in Life Course Research*, 15(2): 59-75.
17. Billari, F. C., Philipov, D. and Baizán, P. (2001). Leaving home in Europe: the experience of cohorts born around 1960. *International Journal of Population Geography*, 7(5): 339-356.
18. Breen, R. and Buchmann, M. (2002). Institutional variation and the position of young people: a comparative perspective. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 580(1): 288-305.

19. Brück, T. and Van den Broeck, K. (2006). Growth, employment and poverty in Mozambique: issues in employment and poverty. Discussion Paper 21, January 2006.
20. Buchmann, M.C. and Kriesi, I. (2011). Transition to adulthood in Europe. *Annual Review of Sociology*, 37: 481-503.
21. Chen, H., Wang, X., Liu, Y. and Liu, Y. (2020). Migrants' choice of household split or reunion in China's urbanisation process: the effect of objective and subjective socioeconomic status. *Cities*, 102: 102669. Available at <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102669>.
22. Clarke, G., Xu, L.C. and Zou., H.F. (2003). Finance and income inequality: test of alternative theories. Policy Research Working Paper 2984. Washington, DC: World Bank.
23. Deakins, D., North, D., Baldock, R. and Whittam, G. (2008). SME's access to finance: Is there still a debt-finance gap? Belfast, N. Ireland: Institute for Small Business and Entrepreneurship.
24. Debdulal, M. (2012). Microfinance and moneylender interest rate: evidence from Bangladesh. Deakin University, Burwood, Australia. *World Development*, 40(6): 1181-1189.
25. Deubler, S. and Schäfer, C. (2014). Rural areas and migration: To stay or not to stay? Documentary Report. Sectoral Project Migration and Development and Rural Development.
26. FAO (2012). World agriculture towards 2030/2050: the 2012 revision. ESA Working Paper No. 12-03.
27. Filiztekin, A. and Gökhan, A. (2008). The determinants of internal migration in Turkey. Paper Presented at International Conference on Policy Modelling, EcoMod 2008.
28. Furstenberg Jr, F.F. (2010). On a new schedule: transitions to adulthood and family change. *The Future of Children*, 20(1): 67-87.
29. Ghasemi Ardahaei, A., Rostami, N. and Shiri, M. (2016). Factors affecting the tendency of rural youth of Ahar township to migrate to city. *Journal of Geographic Space*, 16(53): 30-32.
30. Goldstein, H. (1999). Multilevel statistical models. London: Institute of Education, Multilevel Models Project, April 1999. Available at <https://stats.oarc.ucla.edu/wp-content/uploads/2016/02/goldstein-1.pdf>.
31. Greenwood, J. and Jovanovic, B. (1990). Financial development, growth, and the distribution of income. *The Journal of Political Economy*, 98(5): 1076-1107.

32. Heath, A.F. and Richards, L. (2020). Contested boundaries: consensus and dissensus in European attitudes to immigration. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 46(3): 489-511.
33. Herrera, C. and Sahn, D. (2013). Determinants of internal migration among Senegalese youth. New York: Cornell University.
34. Holdsworth, C. (2000). Leaving home in Britain and Spain. *European Sociological Review*, 16(2): 201-222.
35. Hu, F., Xu, Z. and Chen, Y. (2011). Circular migration, or permanent stay? Evidence from China's rural-urban migration. *China Economic Review*, 22(1): 64-74.
36. Hussain, A. and Thapa, G.B. (2012). Smallholders' access to agricultural credit in Pakistan. *Food Security*, 4: 73-85.
37. Iacovou, M. (2002). Regional differences in the transition to adulthood. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 580(1): 40-69.
38. IFC (2010). Scaling up SME access to financial services in the developing world. Washington, DC: International Finance Corporation.
39. Karbasi, A., Fahimifard, S.M. and Jahani, H. (2011). Estimation of rural-urban migration in Iran (application of self-regression model with wide intervals). *Iranian Economic Research*, 16(46): 97-113. (Persian)
40. Keshavarz, M., Karami, E. and Lahsaeizadeh, A. (2013). Factors affecting rural migration due to drought: a case study in Fars province. *Village and Development*, 16(1): 113-127. (Persian)
41. Khandker, S.R. (2000). Savings, informal borrowing, and microfinance. *The Bangladesh Development Studies*, 26(2-3): 49-78.
42. Khandker, S.R. and Samad, H.A. (2013). Are microfinance participants in Bangladesh trapped in poverty and debt? World Bank Policy Research Working Paper 6404.
43. Khandker, S.R. and Koolwal, G.B. (2016). How has microcredit supported agriculture? Evidence using panel data from Bangladesh. *Agricultural Economics*, 47(2): 157-168.
44. Khatir, A. (2011). Intention of migration of rural youth members and non-members of agricultural cooperatives in Marvdasht city and relationship with their attitude and knowledge of agriculture. Shiraz University, Faculty of Agriculture and Natural Resources. (Persian)
45. Korfali, D.K., Üstübici, A., and De Clerck, H. (2014). Turkey: country and research areas report. Migration Research Center, Koç University, Istanbul. Available at https://mirekoc.ku.edu.tr/wp-content/uploads/2017/01/Turkey_-Country-and-Research-Areas-Report.pdf.

46. Meng, L. and Zhao, M.Q. (2018). Permanent and temporary rural-urban migration in China: evidence from field surveys. *China Economic Review*, Elsevier, 51(C): 228-239.
47. Littlefield, E., Jonathan, M. and Hashemi., S. (2003). Is microfinance an effective strategy to reach the millennium development goals? CGAP Focus Note 24. Washington, DC: Consultative Group to Assist the Poor (CGAP).
48. Lutz, M., Streb, J. and Dudeck, M. (2019). Living conditions influence psychological distress of migrants in long-term imprisonment. *Frontiers in Psychiatry*, 10: 818-836.
49. Mahmoudi M., Daneshvar Kakhki, M., Shahnoushi Foroushani, N. and Mohammadi, H. (2019). Application of multi-level models in the study of factors affecting the tendency of young people to stay in rural areas (case study: selected villages of Kermanshah province). *Economic Research*, 54(3): 695-735. (Persian)
50. Malhotra, M., Chen, Y., Criscuolo, A., Fan, Q., , Hamel, I.I. and Savchenko, Y. (2007). Expanding access to finance: good practices and policies for micro, small and medium enterprises. World Bank Institute (WBI) Learning Resource Series. Washington, DC: World Bank. Available at <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/6621>.
51. Mallick, D. (2012). Microfinance and moneylender interest rate: evidence from Bangladesh. *World Development*, 40(6): 1181-1189.
52. Manganhele, A.T. (2010). Improving access to credit for smallholder farmers in Mozambique: lessons from government efforts in developing countries of Africa and Asia. Department of Agricultural Economics, Extension and Rural Development Faculty of Natural and Agricultural Sciences, University of Pretoria, Pretoria.
53. Motiei Langroudi, H., Rezvani, M.R., Noorbakhsh, M.R. and Akbarpour, M. (2013). Explaining the appropriate strategic model on population sustainability in rural settlements (Seluk village of Hashtrud city). *Journal of Geography and Planning*, 19(52): 303-322. (Persian)
54. Meyer, R.L. (2002). The demand for flexible microfinance products: lessons from Bangladesh. *Journal of International Development*, 14(3): 351-368.
55. Molaei Hashjin, N., Amar, T. and Hajalizadeh, A. (2014). Challenges of rural management from the perspective of Islamic councils in population retention in villages in the central region of Ardabil. *Geography*, 12(40): 73-91. (Persian)
56. Mulder, C.H. and Billari, F.C. (2010). Homeownership regimes and low fertility. *Housing Studies*, 25(4): 527-541.

57. OECD (2006). The SME financing gap, Vol. I: Theory and Evidence. Paris: Organisation for Economic Co-operation and Development.
58. Oluyombo, O.O. (2012). The Role of Cooperative Societies in Rural Finance: Evidence from Ogun State, Nigeria. PhD Thesis Submitted in Partial Fulfilment of the Requirements of de Montfort University. United Kingdom: Leicester.
59. Özözen Kahraman, S., Çalışkan, V. and Akbulak, C. (2011). Impact of spatial differences on demographic characteristics: a comparative survey in Tuzla River Basin. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 19: 406-417. DOI: 10.1016/j.sbspro.2011.05.148.
60. Rajabi Olyaei, A. (2012). Investigating the effect of migration on demographic changes in Natanz city. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences. (Persian)
61. Rosenberg, R. (1994). Beyond self-sufficiency: licensed leverage and microfinance strategy. Washington, DC: United State Agency for International Development.
62. Schiffer, M. and Weder, B. (2001). Firm size and the business environment: worldwide survey results. Discussion Paper 43. Washington, DC: International Finance Corporation.
63. Schrieder, G. and Knerr, B. (2000). Labour migration as a social security mechanism for smallholder households in Sub-Saharan Africa: The case of Cameroon. *Oxford Development Studies*, 28(2): 223-236.
64. Sirkeci, I., Cohen, J.H. and Yazgan, P. (2012). Turkish culture of migration: flows between Turkey and Germany, socio-economic development and conflict [Türk göç kültürü: Türkiye ile Almanya arasında göç hareketleri, sosyo-ekonomik kalkınma ve çatışma]. *Migration Letters*, 9(4): 373-386.
65. Snijders, T. and Bosker, R. (1999). Multilevel analysis: an introduction to basic and advanced multilevel modeling. London: Sage.
66. SCI (2016). Population and housing census results 2016. Tehran: Statistical Center of Iran (SCI). (Persian)
67. Tang, S., Long, C., Wang, R., Liu, Q., Feng, D. and Feng, Z. (2020). Improving the utilization of essential public health services by Chinese elderly migrants: strategies and policy implication. *Journal of Global Health*, 10(1): 010807. DOI: 10.7189/jogh.10.010807.
68. Tolay, J. (2015). Discovering immigration into Turkey: the emergence of a dynamic field. *International Migration*, 53(6): 57-73.
69. United Nations (2016). International migration report 2015. United Nations, New York: Department of Economic and Social Affairs.

70. Westlund, H. (2018). Urban-rural relations in the post-urban world. In: A. Haas and H. Westlund (Eds) In *The post-urban world: innovative transformations in global city regions*. Routledge, London, pp. 70-81.
71. Xie, W., Sandberg, J., Huang, C. and Uretsky, E. (2019). Left-behind villages, left-behind children: migration and the cognitive achievement of rural children in China. *Population, Space and Place*, 25(8): 22-43.
72. Yalçın, C. (2004). Immigration sociology [Göç sosyolojisi]. Ankara: Memoir Publishing [Anı Yayıncılık], pp. 180-192.
73. Yaqin, S. (2017). Where are the migrants from? Inter- vs. intra-provincial rural-urban migration in China. *Center for Economics, Finance and Management Studies, Hunan University, China. China Economic Review*, 47: 142-155.
74. Yunus, M. (2007). *Banker to the poor*. India: Penguin Books.
75. Zou, X., Zhou, L., Wu, H., Chen, L., Zhou, F., Gong, C. and Ling, L. (2019). The role of tuberculosis control institutes in delivering TB information to domestic migrants in China: a multi-level analysis of a nationwide cross-sectional survey. *International Journal of Infectious Diseases*, 86: 94-101.